

آداب و اقسام تجارت از منظر حقوق اسلام

حجه الاسلام حسن قلی پور

عضو هیات علمی و رئیس دانشگاه آزاد اسلامی- واحد بابل

◆ چکیده:

اهمیت تجارت و نقش اساسی آن در زندگی مردم و رشد اقتصادی جامعه امری بدیهی و غیر قابل انکار است. رشد اقتصادی و اقتصاد سالم مرهون آن است که قبل از شروع در تجارت کسانی که دست اندرکار مسائل اقتصادی هستند نسبت به موضوعات و آوانین و احکام فقهی آن آشنا باشند تا در ریا و معاملات نامشروع قرار نگیرند. رعایت آداب تجارت و آشنایی با اقسام آن گامی اساسی در هدایت جامعه به سوی انجام معاملاتی مطلوب و عاملی مؤثر در تصحیح رفتار تجار و بازار در عمل به وظایف شرعی می باشد. آنچه در این نوشتار و سلسله مقالاتی که بعداً - به فضل و توفیق الهی - دنبال می شود، بحث و بررسی پیرامون آداب و اقسام تجارت از منظر فقه اسلامی است.

کلمات کلیدی: مفهوم تجارت، اقسام و آداب تجارت، تفقه در تجارت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

یکی از مسائل بسیار مهم فقهی مسئله تجارت و بازرگانی است که از زمانهای بسیار قدیم در میان انسانها متداول بوده است، حتی برخی از انبیاء و اولیاء خدا نیز به این کار مبادرت ورزیده و مشغول بودند، از جمله پیامبر بزرگوار اسلام (ص) در اوایل زندگی و در دوران جوانی به کار تجارت و بازرگانی مشغول بوده و در انجام صحیح و مطلوب آن نهایت اهمیت را می داد به طوری که در اثر رعایت صداقت و امانت به راستگویی و درستکاری شهرت داشت. (شهبیدی/۴۰) در روایات نیز به موضوع تجارت توجه خاصی شده و از آن به عنوان عامل رشد عقل و ترک آن سبب نقصان عقل تعبیر شده است، چنانکه امام صادق (ع) فرمودند:

"التَّجَارَةُ تَزِيدُ فِي الْعَقْلِ وَ تَوَكُّرُ التَّجَارَةِ يَنْقُصُ الْعَقْلَ" (حرعاملی/۱۲/۵۴)

در اهمیت تجارت و شرافت تجار همین بس که حضرت علی (ع) در عهدنامه اش به مالک اشتر مؤکداً به او دستور می دهد که شخصاً به امور تجار رسیدگی کرده و آنها از سوی دولت اسلامی حمایت شوند، چنانچه می فرماید: "به سفارشات در خصوص تجار و صنعتگران توجه کن و درباره آنها توصیه نمای. اینان در شهر اقامت دارند یا دور شهرها برای کسب و کار می روند یا با نیروی بدنی تلاش میکنند. همگی منبع تولید و وسیله درآمدند و فراهم کننده سرمایه ها از مناطق دور، در خشکی و دریا و بیابانهای هموار و یا کوهستانها، و نقاطی که مردم را به آنجا دسترسی نبوده و از رفتن به آن مناطق ترس دارند، می باشند. آری اینان مردمی سر برآهند و وحشتی از آنان نیست و اهل سازش اند نه شورش." (نهج البلاغه/نامه ۵۳)

معنا و مفهوم تجارت

کلمه تجارت عربی است (به کسر تاء و فتح را) یعنی داد و ستد کردن، معامله نمودن، سوداگری و بازرگانی (ابن منظور/۱۹/۲) و در اصطلاح عقد معاوضه مالی است جهت به دست آوردن سود. (حسینی عاملی/۶/۸) بر اساس تعریف مزبور تجارت در حقیقت یک نوع کار تولیدی است که با انتقال افقی کالا غالباً منفعت تازه ای پدید می آید.

در یک تقسیم بندی کلی موضوع تجارت (Trading) به سه قسم حرام، مکروه و مباح تقسیم می شود. تجارت حرام تجارتی است که در جهت معصیت، گناه و فساد جامعه باشد، مانند خرید و فروش اعیان نجسه، فروختن انگور و خرما برای آن که از آنها مسکر و شراب درست کنند، فروختن سلاح به دشمنان دین و تجارت مکروه تجارتی است که انجام آن مرجوح بوده و بهتر است رها شود، مانند صرافی کردن، ذبح حیوانات و معامله با مالی که بچه های نابالغ به دست آورده اند. اما تجارت مباح تجارتی است که فعل یا ترک آن از نظر قانون گذاری اسلام یکسان بوده و انجام آن خالی از هر نوع نقص و عیب باشد، مانند معامله و تجارت به نحو صحیح همراه با قصد تراضی طرفین و مشروعیت جهت معامله. (شهید ثانی ۲۰۶/۳ تا ۲۲۰)

لازم به ذکر است که در مواردی تجارت واجب می شود و آن در اموری است که تحصیل مؤنه خورد و خانواده اش به آن وابسته باشد و نیز اموری که قوام جامعه منوط به آن باشد اما اگر تجارت به منظور توسعه بر زندگی خانوادگی خود یا به قصد نفع رساندن به مؤمنین و رفع حوائجشان باشد، مستحب است. (همان ۲۲۰/۲ تا ۲۲۱)

آداب تجارت

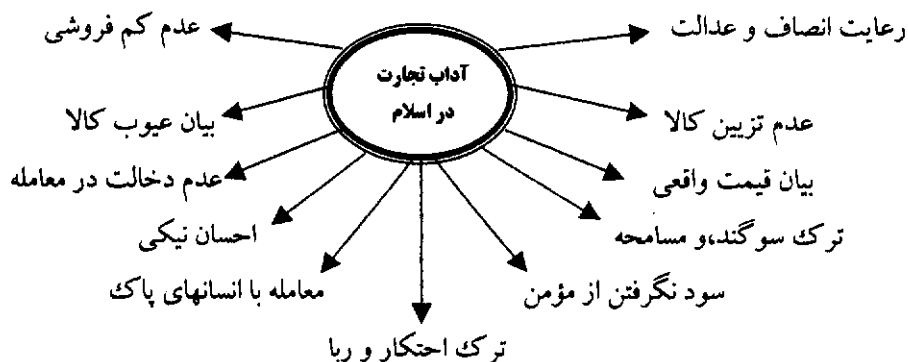
در متون فقهی بحث پیرامون آداب تجارت در کتاب متاجر و در باب بیع تحت عنوان "عقد بیع و آداب آن" آمده است. عقد بیع عبارت است از ایجاب و قبول که بر انتقال ملک در برابر عوض معلوم دلالت می کند. (شهید اول (لمعه) ۱۰۴)

عقد بیع لازم بوده و ایجاب و قبول در آن می تواند با قول - صیغه لفظی - یا فعل واقع شود که در صورت اخیر معامله معاطاتی محسوب شده و به نظر مشهور فقهاء مفید اباحتی است؛ هر چند که برخی دیگر آن را مفید ملک می دانند. (نجفی ۲۲/۲۲ و ۲۱ و ۲۱)

از جمله شرایط صحت عقد بیع این است که ایجاب و قبول در آن به لفظ ماضی واقع شود، مانند بعت (فروختن) و اشتريت (خریدن) و در صورتی که از تلفظ عاجز باشد می تواند با اشاره معامله را انجام دهد. در متعاقدین نیز کمال (بلوغ، عقل و رشد)، اختیار و قصد شرط است. بنابراین معامله کودک، دیوانه، سفیه، غافل، خواب آلود و هازل (شوخی طبع) صحیح نیست اما معامله مکروه پس از زوال آکراه و رضایت به معامله نافذ می شود. (شهید اول (دروس) ۳۵۳ و ۳۵۴)

شرط دیگر در بیع این است که مبیع و ثمن شرعا قابل تملک بوده و مالیت داشته باشند، بنابراین معامله چیزهایی که غالبا بدون منفعت می باشند، مانند موش، مورچه و امثال آن، یا حرام بوده و مقصوده للعقلاء نباشد، مشروع نیست. (محقق حلی ۲/۱-۲۷۰/۱) نکته دیگر این که مورد معامله باید مال یا عملی باشد که هر یک از متعاملین تعهد تسلیم یا ایفاء آن را می کنند (ماده ۲۱۴ قانون مدنی) از این رو معامله چیزی که مقدورالتسلیم نباشد، صحیح نیست. علاوه بر این، شرط است که قدر و جنس و اوصاف مبیع و ثمن معلوم باشد، بنابراین اگر یکی از متعاقدين به دیگری در ضمن معامله بگوید: "هر مقدار که شما ثمن را معین کردی من قبول دارم" یا هر دو توافق کنند که مبیع یا ثمن را شخص ثالثی تعیین کند، معامله باطل است. (شهید ثانی ۳/۲۶۴ و ۲۶۵)

مواردی که به عنوان آداب تجارت در طی مقالات متعدد در همین فصلنامه مورد بحث و بررسی قرار می گیرد عبارت اند از تفقه در تجارت، رعایت انصاف و عدالت، فسخ معامله در صورت پشیمانی، عدم تزئین کالا، بیان عیوب، ترک سوگند، مسامحه و عدم سختگیری در خرید و فروش، ذکر تکبیر و شهادتین در هنگام معامله، کم فروشی نکردن، ترک مدح کالای خود و مذمت جنس دیگری، سود نگرفتن از مؤمنین، احسان و نیکی، زود به بازار رفتن و دیر از آن برگشتن، ترک معامله با انسانهای پست و رذل، آشنایی کامل با کیل و وزن، ترک افزایش قیمت کالا توسط خریداران، کراهت معامله ما بین طلوع فجر و طلوع خورشید، عدم دخالت در معامله دیگران، انجام وکالت صحیح و مشروع، عدم جواز تلفی رکنان، ترک احتکار، ترک ربا در معدودات، بیان قیمت واقعی کالا و فروش کالا پس از قبض آن.



تفقه در تجارت

اولین و مهم ترین آداب تجارت (Trading Principles) فراگیری احکام شرعی مربوط به معاملات است، البته در این مورد لازم نیست شخص تاجر مجتهد شود بلکه تقلید از مجتهد نیز کافی است. (شهید اول/۱۰۸) تا بدین وسیله معاملات صحیح را از فاسد تشخیص داده و از معاملات حرام همچون ربا اجتناب نماید. حضرت علی (ع) فرمودند: "من اتجر بغیر علم ارتطم فی الربا ثم ارتطم" (حرّ عاملی/۱۲/۲۸۳)؛ کسی که بدون آشنایی با احکام تجارت به داد و ستد پردازد، داخل در ربا می شود، آنگاه به ربا می افتد.

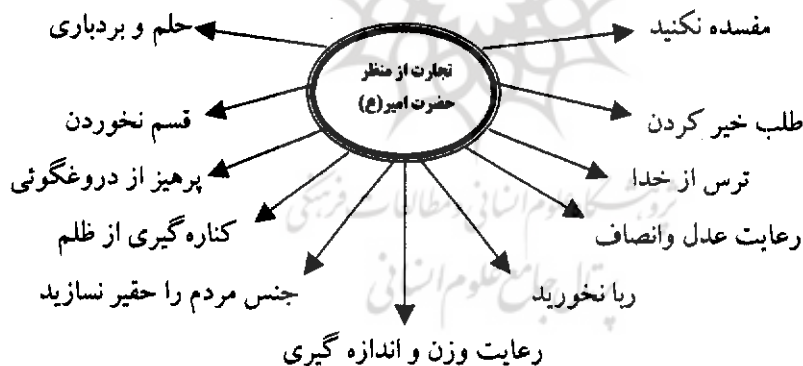
در روایتی دیگر از امام صادق (ع) نقل شده که حضرت فرمودند: "من اراد التّجاره فلیتفقه فی دینه لیعلم بذلک ما یحلّ له مما یحرم علیه و من لم یتفقه فی دینه ثم اتجر توظف فی الشّبهات." (مسان ماخذ)؛ هر گاه کسی بخواهد تجارت کند، پس باید در دینش - یعنی احکام مربوط به تجارت - تفقه کند تا بدین وسیله حلال و حرام را بشناسد و گر نه به شبهات - و معاملات نامشروع - می افتد.

به نظر مشهور فقهاء (شیخ طوسی/۷۹/۱۳ - علامه حلی/۵۰۰/۱۴) تفقه در تجارت مستحب بوده و لازم است که تاجر قبل از شروع در امر تجارت آن را فرا گیرد، حتی برخی از فقهاء تفقه در تجارت را برای کسانی که در اثر جهالت و عدم آشنایی با احکام شرعی به معاملات حرام و باطل می افتند، واجب دانسته اند. صاحب جواهر می گوید: "این که فقهاء گفته اند یادگیری احکام و مسائل تجارت مستحب است، منظور قبل از شروع در تجارت است تا بدین وسیله معاملات فاسد و نامشروع انجام نگیرد و در نتیجه اکل مال به باطل واقع نشود، نه این که استحباب آن به طور مطلق باشد. چون هر انسانی موظف است در انجام اعمال واجب و ترک اعمال حرام و فاسد، واجبات و منهیات را بداند تا به گناه و معصیت الهی نیفتد. پس اگر کسی قبل از این که معامله ای منعقد نماید در مورد صحت یا فساد آن سؤال و تحقیق نکند و معامله ای فاسد انجام دهد، معامله او اکل مال به باطل بوده و گناهکار محسوب می شود." (۴۵۱/۲۲)

امام خمینی (ره) نیز می گوید: "واجب است بر هر کسی که تجارت یا هر نوع کسب و کاری را انجام می دهد این که احکام و مسائل مربوط به آن را یاد بگیرد تا تجارت صحیح از باطل را تشخیص داده و از ربا سالم بماند." (۱۰/۲) و در مسئله ۲۰۵۱ توضیح المسائل معظم له آمده: "یاد گرفتن احکام معاملات به قدری که مورد احتیاج است، لازم است." (۲۳۳) سایر مراجع عظام تقلید نیز مشابه فتوای مزبور را صادر کرده و گفته اند کسی که بداند معاملاتی که در بازار رایج است و

او بدان مبتلا است آغشته به حلال و حرام و صحیح و باطل می باشد و نتواند تشخیص دهد، واجب است احکام آن را یاد بگیرد یا این که آن را ترک کند. (بنی ماشی ۱۹۷۲ و ۱۹۹۰)

افزون بر اینها در روایات آمده که حضرت علی (ع) هر روز صبح در حالی که تازیانه ای در دست داشت از مرکز خلافت خود بیرون می آمد و خطاب به بازاریان می فرمود: "یا معشر التجار اتقوا الله... قدموا الاستخاره و تزینوا بالحلم و تناهوا عن الیمین و جانبوا الکذب و تجافوا عن الظلم و انصفوا المظلومین و لا تقربوا الربا و اوفوا الکیل و المیزان و لا تبخسوا الناس اشیاءهم و لا تتوا فی الارض مفسدین." (حرعاملی ۱۲/۲۸۴)؛ ای گروه تجار از خداوند بترسید... و طلب خیر را بر همه چیز مقدم دارید. اخلاق خود را به حلم و بردباری زینت دهید و از قسم خوردن پرهیزید و از دروغگویی به دور باشید. از ظلم کناره جویی کرده و با ستمدیدگان به عدل و انصاف برخورد کنید. به ربا نزدیک نشوید و در اندازه گیری و وزن کردن کم نگذاشته، اجناس مردم را بی ارزش و حقیر نسازید و خود را از مفسدین روی زمین قرار ندهید.



بدیهی است در دست داشتن تازیانه و با آن در بازار گشتن و به دنبال آن یاد آوردن نکات شرعی و احکام فقهی معامله اولاً دلالت بر اهمیت و لزوم آشنایی بازاریان نسبت به احکام تجارت دارد، ثانیاً بیانگر این نکته مهم نیز می باشد که شخص تاجر در صورت عدم فراگیری احکام تجارت، علاوه بر مسئولیت مدنی در ضمانت معاملات فاسد، مسئولیت کیفری هم داشته و مستحق مجازات از سوی حاکم شرع و یا عقاب اخروی است.

ادامه دارد....

فهرست منابع

- ۱- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی و مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۱۷ق.
- ۲- امام خمینی، روح... الموسوی، تحریر الوسيله، تهران، مکتبه العامیه الاسلامیه، بی تا.
- ۳- همو، توضیح المسائل، تهران، کانون انتشارات محراب، چاپ چهارم، ۱۳۶۳ش.
- ۴- بنی هاشمی، سید محمد حسن، توضیح المسائل مراجع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۸۱ش.
- ۵- حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- ۶- حسینی عاملی، سید محمد جواد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، بیروت، مؤسسه آل البیت، بی تا.
- ۷- شهید اول، محمد بن جمال الدین مکی عاملی، الذرّوس الشریعیه فی فقه الامامیه، چاپ در سلسله الینابیع الفقهیه، علی اصغر مروارید، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۳ق.
- ۸- همو، اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه، بیروت، دار التراث و الدار الاسلامیه، ۱۴۱۰ق.
- ۹- شهید ثانی، زین الدین الجبعی عاملی، شرح لمعه (الرؤضه البهیّه فی شرح اللمعه الدمشقیه)، بیروت، دارالعالم الاسلامی، بی تا.
- ۱۰- شهیدی، سید جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ بیست و یکم، ۱۳۷۶ش.
- ۱۱- شیخ طوسی، ابو جعفر محمد، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، چاپ در سلسله الینابیع الفقهیه.
- ۱۲- علامه حلی، شیخ جمال الدین ابو منصور الحسن، قواعد الاحکام، چاپ در سلسله الینابیع الفقهیه.
- ۱۳- قانون مدنی، تدوین جهانگیر منصور، تهران، نشر دوران، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۱ش.
- ۱۴- محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
- ۱۵- نهج البلاغه، تصحیح و تعلیق از دکتر صبحی الصالح، بیروت، چاپ اول، ۱۳۸۷ق.
- ۱۶- نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۵ش.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی